

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه هنر اصفهان
دانشکده: هنرهای تجسمی
گروه: نقاشی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته نقاشی

بررسی خودنگاره‌های فریدا کالو از منظر روانکاوی فرویدی

استاد راهنما:
دکتر منصور حسامی

استاد مشاور:
دکتر محمدی راد

پژوهشگر:
ارکیده زارع
بهمن ماه ۱۳۹۰

اظهارنامه دانشجو:

موضوع پایان نامه : بررسی خودنگاره های فریدا کالو از منظر روانکاوی فرویدی

استاد راهنما: دکتر منصور حسامی

اینجانب ارکیده زارع دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته نقاشی دانشکده هنرهای تجسمی دانشگاه هنر اصفهان به شماره دانشجویی ۸۸۱۱۳۰۸۱۰۶ گواهی می نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. به علاوه گواهی می نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه هنر اصفهان را به طور کامل رعایت کرده ام.

امضاء دانشجو:

تاریخ:

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه هنر اصفهان محفوظ است.
نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



دانشگاه هنر اصفهان
دانشکده هنرهای تجسمی
گروه نقاشی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته نقاشی خانم ارکیده زارع
با عنوان:

بررسی خودنگاره های فریدا کالو از منظر روانکاوی فرویدی

ارایه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای درجه‌ی کارشناسی ارشد که در تاریخ..... توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره.....درجه به تصویب نهایی رسید

- | | | |
|---|---------------------|------|
| ۱- استاد راهنمای اول پایان نامه آقای دکتر | با مرتبه علمی | امضا |
| ۲- استاد راهنمای دوم پایان نامه آقای دکتر | با مرتبه علمی | امضا |
| ۳- استاد مشاور اول پایان نامه آقای دکتر | با مرتبه علمی | امضا |
| ۴- استاد مشاور دوم پایان نامه آقای دکتر | با مرتبه علمی | امضا |
| ۵- استاد داور داخل گروه آقای دکتر | با مرتبه علمی | امضا |
| ۶- استاد داور خارج از گروه آقای دکتر | با مرتبه علمی | امضا |

مهر و امضای مدیر گروه

سپاسگزاری:

با سپاس از دکتر منصور حسامی و تمامی اساتیدی که از آنها بسیار آموختم

تقدیم به:

تقدیم به تمام کسانی که رنجهای فریدا کالو را
درک کرده اند...

چکیده:

از آنجائیکه ۵۰ اثر از میان ۱۴۳ تابلو نقاشی شناخته شده از آثار «فریدا کالو»^۱ به «خودنگاره»^۲ های او اختصاص دارد، پس می توان نتیجه گرفت که خودنگاره های او -نه همچون پرتره هایی که عموماً نقاشان از خود می کشند- بلکه در میان آثارش حائز اهمیت بسیاری هستند. چنانکه خود او می گوید: «من خودم را نقاشی می کنم چون اغلب تنها هستم و چون خودم را از همه بیشتر می شناسم». نقاشی پرتره در اصل با خود انسان سر و کار دارد و می تواند بیشترین پیچیدگی را از نظر ذهنی شامل شود. خودنگاره ها بیشتر به آینه ای می مانند که جدای صورت ظاهر، قصد دارند بُعدی از وجود انسان را به نمایش بگذارند. از همین رو، به نظر می رسد از میان تصاویر، خودنگاره بیشترین ارتباط را با روانکاوی داشته باشد. روانکاوی علم تحلیل ناخودآگاه آدمهاست و پرتره مهم ترین عنصر اینکار است. چنانکه در موردهای روانکاوی «زیگموند فروید»^۳، او به حالتهای چهره و درکی که بیمارانش از چهره خود دارند، تاکید می ورزد. به نظر می رسد با تحلیل روانکاوانه به سراغ خودنگاره های کالو رفتن می تواند ابعاد دیگری از این خودنگاره را بر ما بگشاید. بنابراین ایده اصلی تحقیق بر این مبنا است که خودنگاره های کالو -نه صرفاً از روی خودشیفتگی زنانه نقاش- بلکه بیانگر فراز و نشیب های او در طول زندگی است. بر این اساس می توان خودنگاره ها را در اصل «خودنگاره»^۴ و پنداشتی دانست که کالو نسبت به خویشتن خویش داشته است و همین امر باعث می شود که بیشتر جاها او از بازنمایی صرف صورت خویش فراتر رفته و به ناخودآگاه و به انگاشت درونی اش از خویش وفادار بماند. لازم به ذکر است که شیوه این تحقیق به «روش همبستگی» است که در آن با استفاده از مفاهیم روانکاوی، به زیبایی شناسی خودنگاره های کالو پرداخته شده است.

^۱ Frida Kahlo

^۲ Self-Portrait

^۳ Sigmund Freud

^۴ Self-Imaging

کلیدواژه‌ها

خودنگاره - خود - خودانگاره - روانکاوی - لذت - میل - زندگی‌نامه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<u>فصل اول: کلیات تحقیق</u>
۸	۱-۱ مقدمه
	<u>فصل دوم: مروری بر ادبیات تحقیق</u>
۱۶	۱-۲ سالشمار زندگی و رویدادهای تاثیرگذار در زندگی فریدا کالو
	۲-۲ کلیاتی راجع به روانکاوی
۲۲	۱-۲-۲ در باب روانکاوی و تعریف مفاهیم اصلی آن
۲۶	۲-۲-۲ اصل لذت و اصل واقعیت
۳۱	۳-۲-۲ رابطه روانکاوی و هنر
۳۴	۴-۲-۲ سورتالیسم و روانکاوی
۳۷	۵-۲-۲ خوانش روانکاوانه چند اثر از فریدا کالو
۴۵	۳-۲ خودنگاره و خودنگاره
۴۹	۱-۳-۲ بررسی ویژگیهای خودنگاره فریدا کالو
۵۴	۲-۳-۲ انگاره زنانگی در خودنگاره های نقاش
	<u>فصل سوم: تجزیه تحلیل و نتیجه گیری</u>
۵۹	۱-۳ خودنگاره های کالو مغایر با بازنمایی متعارف صورت (چهره نگاری) است
۶۲	۲-۳ نگاه روانکاوانه به بدویت منعکس شده در آثار کالو
۶۸	۳-۳ رابطه کالو با سورتالیست ها از منظر روانکاوی
۷۴	۴-۳ نتیجه گیری

فهرست عکس‌ها

صفحه	عنوان
۳۰	عکس (۱-۲)
۳۹	عکس (۲-۲)
۴۱	عکس (۳-۲)
۴۳	عکس (۴-۲)
۴۷	عکس (۵-۲)
۶۳	عکس (۱-۳)
۶۵	عکس (۲-۳)
۶۶	عکس (۳-۳)

پیشگفتار:

این تحقیق یک رویکرد روانکاوانه از زیبایی‌شناسی و هنر است، از آن رو با معرفی و ارائه کلیات تحقیق، در فصل دوم به سالشمار زندگی فریدا کالو پرداخته شده است. چرا که روانکاوی پیوندی ناگسستنی از نحوه زندگی و زیست آدم‌ها دارد و برای دریافت روانکاوانه آثار کالو نیز ما نیازمند شناخت حوادث و رویدادهای مهم در زندگی ایشان هستیم. در بخش بعدی این فصل برای آشنایی کلی با مباحث روانکاوی توضیحاتی در باب مفاهیم اصلی و کاربردی آن در نقد هنری داده شده و به بحث در باب ارتباط روانکاوی و هنر نشستیم. سپس به خودنگاره‌های کالو پرداخته و ارتباط مستقیم آن‌ها با دریافت‌ها و انگاشت‌های کالو از زندگی خودش را شرح داده‌ایم. آنگاه به صورت موردی چندین خودنگاره از او را انتخاب کرده و با استفاده از مفاهیم اصلی روانکاوی به شرح، تفسیر و خوانش این آثار پرداخته شده است. برای تعیین رابطه خودنگاره و روانکاوی از مفهومی به اسم «خودنگاره» استفاده شده است که می‌توان گفت نقش محوری را در روانکاوی ایفا می‌کند. خودنگاره در اصل «نحوه نگاه یک سوژه به خودش است» که ناخودآگاه این نگاه در پیوند تنازک با نحوه زندگی و زیست محیط هر فردی قرار دارد. در همین راستا در بخش بعدی به این موضوع اشاره شده است که خودنگاره‌های کالو صرفاً از روی خودشیفتگی (نارسیسیسم) زنانه نقاش نبوده و پیوندی ناگسستنی با نگاه او به خودش دارد. برای همین است که ما در خودنگاره‌های کالو با بازنمایی واقع‌گرایانه صورت مواجه نیستیم بلکه هر کدام از خودنگاره‌های او بُعدی از شخصیت‌اش را برای ما گشوده و بیان می‌کنند. بعد از بررسی تمام این مفاهیم، دست آخر نوبت به تجزیه تحلیل و نتیجه‌گیری ما می‌رسد. در این فصل به تحلیل داده‌های قبلی پرداخته و درباره نحوه پیوند کالو با سورئالیسم بحث شده است. بدوی‌گرایی موجود در کارهای کالو و برداشت شخصی و ناخودآگاه محور او از خویش دست به دست هم داده‌اند تا نقاشی‌های کالو به صورت کلی و بخصوص خودنگاره‌هایش از رئالیسم و

واقع گرایی موجود فراتر رفته و به زیبایی شناسی بخصوصی بیانجامد. اگرچه افرادی همچون «آندره برتون»^۵ او را از زمره نقاشانی به شمار می برد که یک نمونه تمام عیار سورئالیست است، با اینحال خود کالو به صورت کامل سورئالیسم را نپذیرفته و حتی آنرا انکار می کند. در فصل نتیجه گیری ما با استفاده از بررسی خودنگاره های فریدا کالو به وجود و عدم وجود چنین ارتباطی بین او و مکتب سورئالیسم پرداخته ایم. و همینطور به کمک مفاهیم روانکاوی سعی شده است تا یک سری ویژگی ها و خصوصیات خودنگاره های کالو را بر شمرده و سورئالیسم بدوی گرایانه و منحصر بفرد او را دریابیم.

^۵ Andre Breton آندره برتون، نویسنده و منتقد فرانسوی که مانیفست سورئالیسم بدست او نگاشته شده است و از پایه گذاران این مکتب به شمار می

فصل اول

کلیات تحقیق

رابطه بین حقیقت و زیبایی در تمام زمینه‌های هنر همیشه به طرز غامضی مسئله برانگیز بوده است. هرگاه به سراغ تئوری هنر می‌رویم همواره با خطر هرمنوتیک و تاویل مواجه هستیم که ممکن است ما را از خود اثر هنری دور نگه دارد. اما اصلی که بیشتر منتقدان و تئوری‌پردازان معتقدند اینست که هنر در انتزاع محض‌اش بی‌معناست. وقتی هنر بدست هنرمندی خلق می‌شود تمام روحیات، ذهنیات و ایده‌های او در اثر منعکس می‌شود. همین اصل است که باعث ایجاد تفاوت بین آثار هنرمندان و پویایی هنر در طول تاریخ می‌شود. بطوریکه حتی هنر مناطق جغرافیایی مختلف نیز به طرز آشکاری از هم فاصله دارند. نقد روانکاوی به ما می‌گوید هر دوره و هر مکانی که هنرمند در آن می‌زید ویژگی مخصوص خود را داراست و همین مسئله ما را وادار می‌کند تا برای شناخت درست (و نه لزوماً کامل)، آثار هر هنرمندی، به سراغ رویدادهای اجتماعی و فردی هنرمند برویم و از این طریق است که می‌توان به زیبایی‌شناسی مخصوص هر هنرمندی پی برد.

از طرفی دیگر در باب نحوه استفاده این رساله از روانکاوی و پرداختن آن به فلسفه روانکاوی باید بگوئیم در اینجا ما به هنر، نه به عنوان موردی روانشناسانه بلکه با استفاده از فلسفه روانکاوی به تحلیل ذهنیت خود هنرمند می‌پردازیم. بخصوص به دلیل اینکه موضوع این رساله بررسی خودنگاره‌های کالو است و از آنجا که خودنگاره بیشترین ارتباط را با نگاه ناخودآگاهانه هنرمند نسبت به خویشتن دارد، فلسفه روانکاوی می‌تواند کاملاً رهگشا عمل کند. این موضوع در کل آشکار می‌کند که چرا اساساً می‌توان از نقد روانکاوانه در هنر سخن به میان آورد، چنانکه برای مثال اکنون در هنر سینما بیشتر به این زمینه پرداخته شده و حتی به صورت کاملاً سیستماتیک، نقد روانکاوانه پذیرفته شده است.^۱ فلسفه روانکاوی می‌تواند معرف یک زیبایی‌شناسی بخصوص باشد. چنین نگاهی از نیمه دوم قرن بیستم به بعد رواج پیدا کرده است و در تاریخ نظریات زیبایی‌شناسی افرادی چون هربرت مارکوزه^۲ و برخی همفکرانش در مکتب فرانکفورت (همچون

^۱ از دهه ۷۰ به بعد در فرانسه مباحث روانکاوی فروید به دست افرادی چون «ژاک لکان» بصورت جدی در تحلیل هنر و ادبیات بکار گرفته شد و در حال حاضر «اسلاوی ژیزک» یکی از پیروان مکتب روانکاوی لکان مباحثی را درباره سینما و فیلم مطرح می‌کند که شهرت جهانی پیدا کرده و این نوع نقد بخصوص در زمینه سینما رواج یافته است.

^۲ Herbert Marcuse

آدورنو-هورکهایمر^۱، در راستای پایه‌ریزی نقد زیبایی‌شناسانه جدید بر اساس نظریات روانکاوی همت گماشته‌اند. مسئله بسیار مهمی که به صورت کلی در نقد روانکاوی و همین‌طور در این رساله وجود دارد، این است که اینجا کار ما سهیم شدن در فلسفه روانکاوی است- نه سهیم شدن در خود روانکاوی. پس منحصرأ سر و کار ما با عرصه تئوریک است و در رشته تکنیکی که روانکاوی تبدیل بدان شده است، وارد نمی‌شویم. حال باید دید اساساً چنین برخوردی با روانکاوی ممکن است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به نظریات هربرت مارکوزه در کتاب «اروس و تمدن» روی آورد، چنانکه او درباره فروید معتقد است: «فروید به معنای دقیق کلمه، نظریه‌ای درباره انسان، و یک علم روانشناختی را بسط داد. با این تئوری فروید خود را تحت معیارهای فلسفی، در سنت بزرگ فلسفه قرار داد» (افتخاری راد ۱۳۸۸، ۱۷). برای ما نیز نه تفسیر درست و یا صحیح از مفاهیم فرویدی، بلکه معنای ضمنی و به نوعی زیبایی‌شناسانه آن اهمیت دارد. فروید در اصل با دقت و از روی وظیفه‌شناسی، فلسفه خود را از علم خود متمایز کرده است. و ما بر مبنای همین فلسفه و تئوری روانکاوی به سراغ آثار فریدا کالو رفته و به نقد و بررسی آن‌ها می‌نشینیم. برای این منظور در متن این رساله به مفاهیم بنیادین روانکاوی پرداخته شده است که بیشتر در جهت مطالعات زیبایی‌شناسانه بکار می‌روند.

^۱ Theodor Adorno-Max Horkheimer آدورنو، هورکهایمر، ماکوزه و بنیامین از بنیان مکتب انتقادی فرانکفورت هستند. این مکتب از نظر فلسفی پیرو نظریات مارکس بود. آنها مارکسیست‌هایی به شمار می‌آیند که سعی کردند مفاهیم فلسفه مارکس را در باب تکوین روانی و همین‌طور زیبایی‌شناسی و هنر شرح و بسط دهند. در این بین مارکوزه در راستای تلفیق روانکاوی فروید و تعریف زیبایی‌شناسی بسیار کوشیده است. مهمترین کتاب این مکتب «دیالکتیک روشنگری» نوشته هورکهایمر و آدورنو است که در آن به نقد خرد ورزی و عقلانیت عصر روشنگری پرداخته شده است.

بیان مساله

خودنگاره در اصل با خود انسان سر و کار دارد و بیشترین پیچیدگی را از نظر تصویری داراست. خودنگاره‌ها بیشتر به آینده‌ای می‌مانند که جدای صورت ظاهر، قصد دارند بُعدی از وجود انسان را به نمایش بگذارند. از همین رو به نظر می‌رسد از میان تصاویر آن‌ها بیشترین ارتباط را با روانکاوی دارند. روانکاوی علم تحلیل ناخودآگاه آدمهاست و خودنگاره نیز مهم‌ترین عنصر برای اینکار به حساب می‌آید، چون در خودنگاره ما با نگاه شخصی هنرمند روبرو می‌شویم و از روی آن‌ها می‌توانیم به ایده‌هایی که در ناخودآگاه هنرمند جریان دارند، نزدیک شویم. از اینرو به نظر می‌رسد با تحلیل روانکاوانه به سراغ خودنگاره‌های کالو رفتن می‌تواند ابعاد دیگری از خودنگاره‌ها را بر ما بگشاید. بنابراین ایده اصلی رساله بر اینست که خودنگاره‌های کالو - نه صرفاً از روی خودشیفتگی نقاش - بلکه بیانگر فراز و نشیب‌های او در طول زندگی است و ارتباط مستقیمی بین زندگی و کارهای او وجود دارد که می‌توان از منظر روانکاوی آنرا به نظاره نشست.

اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش

از آنجایی که خودنگاره بخش زیادی از کارهای فریدا کالو را دربرمی‌گیرد، پرداختن به آن و تحلیل شخصیت این خودنگاره‌ها ضرورتی برای شناخت درست آثار این نقاش به حساب می‌آید. به دلیل اینکه تا بحال هیچ مطالعه‌ای درباره ارتباط مستقیم بین مفاهیم روانکاوی و نقاشی خودنگاره‌های کالو به فارسی انجام نشده است، این رساله می‌تواند ابعاد تازه‌ای را در نگاه به آثار این هنرمند در جامعه معاصر ایران بگشاید.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این تحقیق شخصیت‌پردازی روانکاوانه خودنگاره‌های فریدا کالو است. یعنی این مسئله که این خودنگاره‌ها تنها بازنمایی صورت ظاهری فریدا نبوده و در ورای آنها ابعاد درونی شخصیت این نقاش قابل درک است و می‌توان از منظر روانکاوی او را به مثابه یک «من» روانکاوی به بررسی نشست. در کنار این هدف چندین هدف فرعی از جمله بررسی زندگی و افکار فریدا کالو و هم‌منظور بررسی مفاهیم بنیادین روانکاوی من جمله خودآگاه، ناخودآگاه، اصل لذت، اصل واقعیت و... با نگاه به آثار کالو مد نظر است.

پرسش‌های تحقیق یا موقعیت

این تحقیق این پرسش اصلی را مطرح می‌کند که آیا چه ارتباطی بین «من» از نگاه روانکاوی و «من» تصویر شده در نقاشی خودنگاره با محوریت کارهای فریدا کالو وجود دارد؟

چارچوب نظری پژوهش

در این تحقیق از یک سو به بررسی مفاهیم بنیادین و کاربردی روانکاوی در حوزه زیبایی‌شناسی مانند خود (ego/self) پرداخته شده است و از سوی دیگر بررسی شرح و حال، زندگی، رویدادهای تاثیر گذار و نوع نگاه فریدا کالو پرداخته شده و خودنگاره‌های او با استفاده از مفاهیم روانکاوی بررسی شده‌اند. بعد چنانکه روال تمام تحقیقات همبستگی است در فصلی با عنوان نتیجه‌گیری به بررسی وجود ارتباط میان این دو پدیده (خود روانکاوی و خودنگاره کالو) و تعیین میزان ارتباط میان این دو پرداخته شده و سعی در خوانش مجدد ذهنیت و افکار روانکاوانه کالو در خلق آثارش صورت گرفته است.

روش پژوهش

روش پژوهش از نظر هدف، «پژوهش توسعه‌ای» و از نظر روش، «پژوهش همبستگی» است.

قلمرو مکانی پژوهش (جامع آماری)

بیشترین قلمرو مکانی تحقیق مربوط به مکزیك و به خاطر اقامت موقت کالو در آمریکا، این کشور را شامل می‌شود. چون بخشی از خودنگاره‌های کالو مربوط به دورانی است که او به همراه ریورا به سن فرانسیسکو مسافرت می‌کند.

قلمرو زمانی پژوهش

از ۶ جولای ۱۹۰۷ که سال تولد فریدا کالوست تا هنگام مرگش که به تاریخ ۱۹۵۴ رویداده است.

روش گردآوری داده‌ها

روش کتابخانه‌ای

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل کیفی

محدودیت های پژوهش

دو مسئله و در واقع محدودیتی که در نوشتن این رساله بدان برخوردیم بدین شرح‌اند: اول اینکه درباره فریدا کالو کتاب‌ها، تحقیق‌ها و مطالعاتی که انجام شده‌اند هیچکدام تا بحال به صورت مستقیم و اختصاصی از منظر روانکاوی فروید به آثار او نپرداخته‌اند. چون دو تحقیقی که در این راستا به زبان انگلیسی پیدا کردیم که در اصل به زندگی و بررسی آثار او پرداخته و از نگاه روانکاوانه بدور بودند. از جمله تحقیقی از لوکلزیو از زندگی فریدا کالو و دیه‌گوریورا است با عنوان «این دو هنرمند» که در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسیده است و به بررسی زندگی کالو و همسرش ریورا می‌پردازد. و مجموعه دیگری با نام «در جستجوی فریدا» به قلم باربارا لوین، نویسنده و کارگزار هنری به زبان انگلیسی چاپ شده است که به خاطرات شخصی و نامه‌ها و زندگی خصوصی فریدا می‌پردازد. این منابع فقط در نوشتن سالشمار زندگی و بیان رویدادهای مهم زندگی کالو بکار رفته‌اند.

مسئله دوم این است که از آنجائیکه در رساله‌ای که در زیر می‌آید، این فرضیه وجود دارد که در خودنگاره‌های فریدا کالو صرفاً مسئله بازنمایی واقع‌گرایانه و عکاسانه صورت هنرمند مطرح نیست و متغیری با نام ناخودآگاه هنرمند در کارهای او موج می‌زند که ما را به سمت بررسی روانکاوانه می‌کشاند. روانکاوی در مورد کلیت هنر به این نکته قائل است که هنر در لحظه ناخودآگاه آدم‌ها صورت می‌گیرد و خودآگاه صرفاً برای ساختار بخشی به این ذهنیت حضور دارد. این نوع نگاه در آثار سورنالیست‌ها نمود بارزی دارد و در آثار فریدا کالو نیز که به نوعی یک نقاش سورنالیستی به حساب می‌آید، می‌توان مشاهده کرد. درست است که تاثیر ناخودآگاه و گاه حتی عنان گسیختگی آن وقتی به خودنگاره‌های این هنرمند می‌رسد می‌تواند در انتخاب رنگ، نحوه گذاشتن رنگ و زاویه دید به «خود» تاثیر گذاشته باشد، اما نمی‌توان به صورت دقیق حدود و ثغور متغیری چون ناخودآگاه را تعیین کرد. بخصوص در مورد نقاشی که اختلاف مکانی و زمانی زیادی با آن داریم و ممکن است در تعریف مسئله ناخودآگاه از اصل آنچه که بر ذهنیات هنرمند گذشته است، دور بمانیم. این خطری است که در جای جای این تحقیق بدان برمی‌خوریم.